

ما، افغانستان و فردای نگران کننده

نوشته دکتر پرویز ورجاوند

من نمی‌دانم در دستگاههای عریض و طویلی چون سازمان امور استخدامی کشور و معاونت پژوهشی وزارت امور خارجه تاکنون تلاشی برای جمع‌آوری اطلاعات لازم در باره چگونگی ساختار و سازمان دستگاههای دیپلماسی کشورهای مطرح جهان و نحوه گزینش و آموزش و طی مراحل خدمتی دیپلماتهایشان انجام شده یا نه. ولی با جرأت می‌گویم اگر هم برحسب تصادف و علاقه فردی چنین کاری انجام شده باشد، بدون شک هیچ‌گاه مورد توجه تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران قرار نگرفته است. خانه تکانی در وزارت امور خارجه از آغاز انقلاب، و به ویژه بعد از استعفاء دولت موقت، و گزینش‌های انجام شده و افزودن بسیار غیرمتعارف برعدهٔ اعضای این مهم‌ترین سازمان تصمیم‌گیرنده و نقش آفرین کشور و نحوه موضع‌گیری‌های نسنجیده و ناکامی‌های پی‌درپی در دیپلماسی ایران طی این سالهای طولانی سرنوشت ساز، همه و همه حکایت از آن دارد که تصمیم‌گیران، در عمل حتی نخواستند برای حفظ موقعیت و تثبیت جایگاه خود، پدیده سیاست خارجی را به عنوان مهم‌ترین محور حفظ منافع ملی جدی بگیرند و با بهره‌جستن از کارشناسان و صاحب‌نظران و آگاهان برکنار از درگیری‌ها و سلطه‌گری‌ها و انحصارطلبی‌ها، آن‌را در مسیری قرار دهند تا بتوانند و هوشیاری بتوانند از منافع ملی این سرزمین پاسداری کنند. در تمامی این سال‌ها سیاست خارجی بازیچه دست کسانی بوده تا هر چه بیشتر با موضع‌گیری‌های شعارگونه، دیپلماسی ایران را دست‌خوش بحران بسازند.

این مقدمه کوتاه را بدان جهت آوردم تا بگویم از چنین ساختاری انتظاری جز شرایط تاسف آور امروز افغانستان نمی‌توان و نباید انتظار داشت. وقتی دستگاه مملکت در پی اشتباهات پرشمار ناگزیر می‌گردد، طی بخشنامه‌ای به هیأت‌های اعزامی و مقامات خود که به خارج می‌روند شیوه‌های ابتدایی‌ترین

رفتارهای اجتماعی را بیاموزد، و به آن‌ها یادآور شود که از این سوی به آن سوی میز برای برداشتن غذای موردنظر خیز بردارند، بعد از غذا با انگشت در سر میز دندان‌ها را مسواک نکنند. با بی‌زما به صحن هتل وارد نشوند، به نظافت خود و نحوه پوشش مرتب توجه کنند و بسیاری دیگر از ناگفتنی‌ها را مدنظر داشته باشند، چگونه می‌توان انتظار داشت که هیأت‌های چمدان به دست این چنینی و آن‌هایی که یک شبه دیپلمات شده‌اند بتوانند با نگاهی ژرف بین با مسائل سیاسی برخورد کنند و بیشترشان با زبان الکن بتوانند با هم‌تایان خود ارتباط برقرار کنند و در مجامع جهانی حضور موثر و نقش آفرین داشته باشند.

من جرأت دارم بگویم که جزء دو سه نفری هستیم که طی چند سال اخیر با شروع بحران افغانستان بخش عمده‌ای از کار و بررسی و قلم زدن را به این موضوع مهم اختصاص داده‌ام و از آغاز نظرم این بود که اگر ما در جریان افغانستان نتوانیم درست عمل کنیم و از توان مانورکردن‌های هوشمندانه برخوردار نباشیم و

استراتژی سنجیده و قابل‌اجرایی را برنگزینیم، قادر به مهار بحران و جلوگیری از بروز فاجعه نخواهیم شد. افغانستان تا چند سال پیش برای خیلی‌ها در این سرزمین، کشوری دست‌چندم به شمار می‌آمد و براین باور نبودند که این کشور برای ایران از اهمیتی بسیار بالا برخوردار است و می‌تواند ایران را درگیر مسایل حیثیتی و امنیتی بسازد.

آن‌هایی که همه فکر و ذکرشان متوجه فلسطین، جنوب لبنان، بوسنی و هرزگوین، سودان و ایجاد ارتباط با قدرت‌هایی چون بوریکنافاسو بود مجالی برای آن که با واقع‌بینی به اوضاع افغانستان و روند دلهره‌آور آن بیندیشند فراهم نمی‌آورد. دغدغه جماعتی از کاربدستان آن بود که بتوانند با حمایت از اقلیت شیعه افغانستان شرایطی پیش آورند تا این گروه را به قدرت برسانند و دایره نفوذ خویش را در کشورهای تازه به استقلال رسیده آسیای مرکزی گسترش دهند؟! آن جماعت چنان خوش خیالانه به موفقیت خود امید داشتند که حتی حاضر نبودند به وجودناهمگنی‌ها و اختلاف‌های گروه‌های شیعه افغانستان که مکرر به درگیری‌های سنگین نظامی میان آن‌ها منجر گشت توجه کنند. نهادهای مختلف و چهره‌های مشکوکی چون مهدی هاشمی میدان‌داری را به دست گرفتند و با برخوردار از امکانات مناسب به هر نابخردی دست یازیدند. سیاست اساسی و جامع نگر ایران که می‌بایست به اعتبار تاریخ و فرهنگ مشترک با کل مردم افغانستان،



توجه خود را به ایجاد هم‌بستگی میان اقوام و گروه‌های مذهبی معطوف بدارد و دست کم میان تاجیکان، هزاره‌ها، ازبک‌ها و دیگر اقوام غیرپشتو زبان موجبات از میان بردن اختلاف و درگیری را فراهم آورد. صرف آن گشت تا با یاری دادن به یک گروه. در عمل موجبات برخورد‌های شدید را بین آن جمع فراهم آورد. ما ابتدا می‌بایست به یاری کارشناسان مسائل تاریخ و فرهنگ، گام موثری در جهت جلب نظر پشتوزبانان و به ویژه تحصیل‌کردگان آن‌ها برداریم و با تشکیل کنگره‌ها و سمینارها براساس مدارک روشن تاریخی به توجیه علمی وابستگی‌های قومی و زبانی میان آن‌ها و تاجیکان بپردازیم و توجه دهیم که استعمار انگلستان و روسیه تزاری و سپس شوروی از زمان استقلال افغانستان سودشان براین بوده تا از ایجاد وحدت ملی در آن سرزمین و ایجاد ارتباط تنگاتنگ برادرانه با ایران جلوگیری کنند. ما می‌بایست بدون موضع‌گیری در برابر پشتوزبانان به یاری پژوهشگران آگاه و صاحب‌توان غیر ایرانی، توجه پشتوزبانان را به حیل‌گریهای استعمارگران در ایجاد و دامن زدن به جو تنش در میان اقوام افغانستان طی دو قرن اخیر جلب می‌کردیم و با توجه به فرصت به دست آمده و نزدیکی آن‌ها به مناسبت رودرویی همگانی با کمونیست‌ها و ارتش شوروی، آن‌ها را در جهت ایجاد وحدت و همبستگی و از میان بردن تنش‌های ساخته و پرداخته استعمارگران یاری می‌دادیم.

اقدامی که می‌توانست نتیجه بخش باشد و در نهایت روحیه موضع‌گیری پشتوزبانان را نسبت به ایران دگرگون می‌ساخت. ولی دیپلماسی ایران نه تنها هیچ گامی در این زمینه برنداشت که نتوانست موجبات همبستگی میان تاجیکان، هزاره‌ها، ازبک‌ها و دیگر قوم‌های غیر پشتوزبان را نیز فراهم آورد. چنان که در موارد بسیار حساس این گروه‌ها رودرویی هم قرار گرفتند. آنان که مسؤولیت داشتند نخواستند ناور کنند که ما در برابر توان مالی و حمایت‌های همه جانبه عربستان و پاکستان از سنی‌مذهبان، نه تنها قادر نیستیم که قدرت چشم‌گیری برای شیعیان افغانستان دست و پا کنیم که با جانبداری ناشی‌گرانه از آن‌ها این گروه را به دم تیغ نیروهای متعصب سنی و سرانجام طالبان می‌سپاریم و برای وهابی‌گری که تا پیش از این در افغانستان هیچ محلی از اعراب نداشت

بایگامی قدرتمند پدید می‌آوریم.

موضع انفعالی در برابر پاکستان

دیپلماسی ایران زمانی که اسماعیل خان بخش وسیعی از افغانستان را با مرکزیت هرات از جنگ و خونریزی و ویرانی برکنار نگه داشته بود و ابتکار عمل را با برپایی چند نشست بزرگ و «لویه‌جرگه» در دست داشت، نتوانست نقش مطلوب و فعالی را برای از میان برداشتن برخی اختلاف‌نظرها بازی کند و موجبات شکل‌گیری دولت، فراگیر و پایان بخشیدن به خونریزی را فراهم آورد. زمانی که ربانی در کابل و بخش عمده‌ای از افغانستان قدرت را در دست داشت، دیپلماسی ضعیف ما نتوانست از برخورد شیعیان و هزاره‌ها با دولت ربانی جلوگیری کند و آن‌ها را با یکدیگر آشتی دهد. در حالی که پاکستان در تمام طول جنگ‌های افغانستان در دوران نبرد با ارتش شوروی از کمک‌های میلیاردری عربستان و آمریکا و اسلحه و یاری‌های لجستیکی آن‌ها برخوردار می‌گشت و به اعتبار آن امکانات

وسیع گروه‌های جهادی و تعدادی از حزب‌ها را به خدمت گرفته بود؛ ما از کیسه ملت ایران هزینه‌های گزافی را به مصرف رسانیدیم که چون دارای یک استراتژی روشن و هدفمند نبودیم جز زیان چیزی به دست نیاوردیم. در این سال‌ها، به اعتباری، پاکستان بیش از سی میلیارد دلار پول دریافت کرده که فقط بخشی از آن را در افغانستان به خرج رسانیده و به اعتبار آن روز به روز بر نفوذ و سلطه خویش افزوده است.

دستگاه‌های اطلاعاتی ما در برابر سازمان مخوف امنیت پاکستان که به وسیله انگلیس و آمریکا سازمان‌دهی شده و نقش آفرین بوده و

هست، قادر بر آن نبود تا از بُعد مثبت موجبات همگامی نیروهای ضد پاکستان شده و به اعتباری اکثریت نیروهای ملی استقلال طلب افغانستان را سامان‌دهی کند. ما در طول زمان همیشه و همیشه و در همه زمینه‌ها از پاکستان رودست خوردیم و حتی یکبار از آن‌ها صداقت ندیدیم. با این حال دولت ایران به گونه‌ای باورنکردنی طی این سال‌ها همیشه نه تنها سیاست مماشات، که سیاست پیروی از پاکستان را پی جسته است. کسی به یاد ندارد که یک مقام بلندپایه ایران در برابر سیاست‌های تجاوزگرانه پاکستان موضع بگیرد و به آن هشدار بدهد. هر قدر پاکستان خود را با سیاست آمریکا، انگلیس، عربستان سعودی بیشتر همگام ساخت و بهره گرفت، ما بر سیاست تشنج آفرینی میان خود و این کشورها و تمامی قدرت‌های غربی افزودیم. ما حتی نخواستیم با برخی از قدرت‌های صاحب‌توان چون فرانسه، آلمان، چین، هند و مانند آن‌ها روابطی موثر برقرار کنیم و به گونه‌ای هوشمندانه پای آن‌ها را

بازار ملل و ... مطالعاتی لازم آن دیبا افزار

- ← طراح بانک اطلاعات بازرگانی مشهور تله بازار
- ← طراحی و پیاده سازی شبکه های اینترنت (INTERNET)
- ← طراحی و پیاده سازی WEB SITE و سیستم پست الکترونیکی (EMAIL)
- ← طراحی و پیاده سازی صفحات وب (WEB)
- ← طراحی نرم افزار و ایجاد بانک های اطلاعاتی BBS نرزمینه های گوناگون
- ← طراحی سیستم های اطلاعات مدیریت (MIS)
- ← طراحی پیاده سازی و نگهداری شبکه های محلی (LAN) و راه دور (WAN)
- ← طراحی نرم افزار های مختلف جهت واحدهای تولیدی و بازرگانی
- ← طراحی و ساخت سیستم های کامپیوتری

میدان قدس : دو راهی دزاشیب ، خیابان شهید بهشتی (بازار)
شماره ۱۲۹ ، تهران ۱۹۳۵۶
تلفن : ۲۵۷۳۴۶۵-۲۵۷۳۴۶۲-۲۷۱۱۵۵
پست الکترونیکی : E-Mail: Diba @ neda.net

به جریان بکشانیم تا از فشار مربع آمریکا، انگلیس، عربستان و پاکستان تاحدی بکاهیم. ما هر زمان که پاکستان به جنجال آفرینی درباره کشمیر پرداخت بدون حساب و کتاب به حمایتش برخاستیم، بدون آن که توجه داشته باشیم که نباید هند را از خود برنجانیم.

حمایت‌های بی‌دریغ ایران از پاکستان که دلیلش بر هیچ کس روشن نیست تا بدان حد پیش رفت که ما تنها کشوری بودیم که بعد از آزمایش هسته‌ای آن کشور سراز پانشناختیم و به جای اعتراض و کشتاندن موضوع به سازمان ملل به آن تبریک گفتیم. با چنین روشی، پاکستان پاسخی بهتر از حمله گسترده به شمال افغانستان نمی‌توانست بدهد. پاکستان بیش از همه دغدغه آن‌را داشت که نکند ایران به آزمایش هسته‌ای آن اعتراض کند و به یاری سازمان‌های جهانی او را دچار محذور بسازد. ولی زمانی که با استقبال گرم ایران مواجه گشت لازم بود تا از موقعیت به دست آمده برای وارد ساختن ضربه‌ای شدید بهره به جوید و آن چه را که مانع دسترسی او به کشورهای آسیای مرکزی بود از پیش‌رو بردارد و برای دست‌یابی به این هدف با وقاحت نیروهای منظم نظامی هوایی و زمینی خود را در گروه‌های گسترده و مجهز تا شمال افغانستان روانه ساخت.

در برابر این یورش وسیع پاکستان که سرزمین‌های زیر کنترل دولت رسمی افغانستان را مورد تجاوز قرار داد، دولت ایران به جای آن که از موضع قدرت با همگامی سازمان‌های بین‌المللی خواستار توقف تجاوزگری‌ها بشود و به یاری شورای امنیت و اتحادیه اروپا بر آن گردد تا با ایجاد پل هوایی کار کمک‌رسانی پزشکی، اقتصادی و یاری‌های انسان دوستانه را به نیروهای جبهه متحد ساماندهی کند و از دنیا بخواهد که از نسل‌کشی و کشتار مردم افغانستان به وسیله طالبان و ارتش پاکستان جلوگیری کند ابتدا تمامی هم خود را متوجه چند تن اعضای کنسولگری ساخت که در آن جا به شهادت رسیده‌اند. نحوه عمل چنان بود که نه تنها به گونه‌ای در قبال وحشی‌گری‌های طالبان و کشتار دسته جمعی مردم مزارشریف و بامیان بی‌تفاوتی نشان داده شد، که از نظر موضع دیپلماسی این چنین از آن برداشت می‌شد که طالبان حاکمیت رسمی دارند و حق سرکوب مخالفان را داشته‌اند و به عنوان یک دولت مسؤول باید جوابگوی رفتار ضد دیپلماتیک خود در قبال هیأت نمایندگی ایران باشند. درحالی که می‌بایست و می‌باید ایران در حمایت از دولت قانونی ربانی که مورد قبول و تایید همه مجامع

باید بدانیم که اگر در افغانستان با شکست کامل مواجه شویم، امید خود را برای حضوری موثر در سراسر منطقه مهم آسیای مرکزی و کشورهای پیرامون دریای مازندران از دست خواهیم داد.

رسمی جهان و کشورها است به موضع‌گیری می‌پرداخت و به عنوان همسایه سرزمینی که در آن حرکت خشن نسل‌کشی و حذف فیزیکی اقوام مختلف جریان دارد، هیجان لازم را برمی‌انگیخت و گذشته از شورای امنیت، به وسیله یونسکو، سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی و کنفرانس غیرمتعهدا و بالاخره اتحادیه اروپا شریاطی پدیدار می‌ساخت که اولتیماتوم‌های کوبنده به پاکستان و طالبان داده شود و شریاطی پدید آورد تا نیروهای مقاومت جبهه متحد و دولت افغانستان بتوانند خود را از تنگنا نجات دهند و سرزمینشان را از چنگ تجاوزگران پاکستانی و مزدوران آن‌ها رهایی بخشند. از یاد نبریم که تا به امروز همه جهان و ارگان‌های بین‌المللی فقط دولت ربانی را به رسمیت می‌شناسند و یاری رسانیدن به یک دولت مورد شناسایی جهان براساس درخواست او برای آن که بتواند تجاوز خارجی را دفع بسازد، اقدامی است که مورد تاکید منشور سازمان ملل است.

آینده نگران‌کننده

ما با کوتاه آمدن‌های همه جانبه در قبال تجاوز پاکستان، در عمل به پیشرفت سیاست مورد نظر آمریکا و انگلیس در افغانستان میدان دادیم. من در مصاحبه‌های رادیویی و مطبوعاتی

فراوان طی دو ماه اخیر یادآور شده‌ام که ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، برای پایان بخشیدن به فاجعه افغانستان اجبار داریم تا با پدید آوردن‌گان اصلی این فاجعه به گفتگو بنشینیم و به تفاهم برسیم. تلاش من برای تشکیل کمیته ۶+۲ در همین راستا بود تا سد این گفتگو شکسته شود و یک جناح خاص بیش از این نتواند سیاست خارجی را در حالت «آجمز» قرار دهد.

من آینده را اگر نتوانیم به تفاهم‌های لازم دست بیابیم، برای ایران بسیار نگران‌کننده‌تر از آن‌چه امروز هست، پیش بینی می‌کنم. تا جایی که ممکن است با استقرار کامل یک حکومت دست نشانده آمریکا و هم‌پیمانانش در افغانستان نه تنها ما ناگزیر به حفظ یک نیروی نظامی پر شمار و پرهزینه دائمی در سراسر مرزهای شرقی خود باشیم، باید شاهد بسته گشتن آب هیرمند بر سراسر سرزمین‌های سیستان و بلوچستان و ایجاد تنش در منطقه بلوچستان بگردیم و برای مدتی طولانی خود را در بخش شرقی کشور درگیر بسازیم. این همه در حالی است که ما در سراسر مرزهای غربی خود نیز با مشکلات فراوان دست بگیریم هستیم که می‌تواند بار دیگر پای ما را به جنگی فرسایشی بکشاند. سخن درباره این چشم‌انداز نگران‌کننده را به گفتارهایی دیگر موقوف می‌سازم و در پایان این نوشته بدون آن که نگران اتهام پراکنی‌های آن‌چنانی کسانی باشم که ایجاد رابطه سازنده را با غرب فقط در پیوند منافع خویش مورد توجه قرار می‌دهند، با صراحت به جناب آقای رئیس جمهوری توجه می‌دهم که اجازه ندهند جوسازی‌ها بیش از این دولت ایشان را در تنگنا قرار دهد و تا فرصت باقی است و هنوز می‌توان تا حدی ابتکار عمل را در دست گرفت، بکوشند تا مذاکرات جدی و حساب شده‌ای را با نقش آفرینان صحنه افغانستان آغاز کنند و به فاجعه موجود پایان ببخشند. ما باید بدانیم که اگر در افغانستان با شکست کامل مواجه شویم، امید خود را برای حضوری موثر و نقش آفرین در سراسر منطقه مهم آسیای مرکزی و کشورهای پیرامون دریای مازندران از دست خواهیم داد و منافع ملی ایران را فدای ندانم‌کاریها و فرصت‌طلبی‌های جماعتی می‌سازیم که هنوز در نمی‌یابند که برای حفظ قدرت‌طلبی و منافع خود، راهی جز آن که ایرانی مستقل و قدرتمند برجای بماند پیش رو ندارند. اگر ایران نماند، نه از تاک نشان ماند و نه از تاک‌نشان.